

## حافظ کیست؟

رضوان الله آروی\*

مقامات محترم خانه فرهنگ، استادان گرامی، دانشجویان و علاقه‌مندان و دوستداران زبان و ادبیات فارسی:

من در این روز مبارک و فرخنده که به حافظ اختصاص دارد، به همه شما تبریک و تهنیت می‌گویم. همه ما حافظ را می‌خوانیم؛ اما هنوز همه اسرار و رموز و نکات آن اشعار که خود حافظ آنها را «سروش عالم غیب» فرموده، بر ما روشن نیست. همانطور که یک کودک مسلمان در زمینه دینی پیش از همه با نام خدا و پیغمبر آشنا می‌شود؛ یک دانشجو نیز که وارد زمینه زبان و ادبیات فارسی می‌شود، پیش از همه اشعار حافظ و سعدی را می‌خواند و بیش از پیش علاقه‌مند به این زبان شیرین می‌شود. من در کودکی، از زبان پدرم اشعار حافظ را می‌شنیدم. پدرم بیشتر اشعار حافظ را در یاد داشت و خوب می‌خواند. علاوه بر این باید به شما اطلاع دهم که در ناحیه ما پتنا، یک خانقاه است به نام «خانقاه مجیبیه». در این خانقاه، هر ماه صوفیها و مشتاقان حال، گردهم می‌آیند و تار موی مبارک حضرت پیغمبر (ص) را زیارت می‌کنند. پس از آن، نوازندگان و خوانندگان با ساز و ضرب غزل‌های زیبای حافظ شیراز را می‌خوانند. من در این مجلسها به طور مرتب شرکت می‌کنم و دیده‌ام که به مجرد استماع اشعار حافظ همه صوفیها به وجد و رقص می‌آیند. من هرگز سیه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی را ندیده‌ام که به شعر حافظ

\* - استاد فارسی ام. اس. کالج، پتنا (پهار).

## حافظ کیست؟



شیراز به نوا آیند و برقصند، بلکه این صوفیها و دراویش و اهل حق هستند که به شعر حافظ شیراز به نوا می‌آیند و می‌رقصند. من پس از آشنایی با خانقاه مزبور، حافظ شیراز را یک عارف ربّانی دانستم؛ چنانکه سعدی فرموده است:

عالم و عابد و صوفی همه طفلان رهند      مرد اگر هست بجز عارف ربّانی نیست  
اما چون در اشعار و زندگانی حافظ بیشتر مطالعه کردم، در حیرت شدم که دانشمندان زبان و ادبیات فارسی، درباره حافظ به نزاع افتاده‌اند. کسی می‌گوید که حافظ شیراز به طور قطع خراباتی بوده است؛ چنانکه خودش می‌گوید:

نصیب من چو خرابات کرده است الله      درین میانه بگو زاهد مرا چه گناه  
کسی دیگر می‌گوید که خیر، حافظ فردی پاکدامن بوده است؛ چنانکه خود گفته:  
در شأن من به درد کشی ظن بد میر      کالوده گشت جامه ولی پاک دامنم  
این عده عقیده دارند که در مشرب حافظ رنگی از «روش ملامتیه» وجود دارد تا مورد طرد مردم واقع گردد؛ اما در باطن تابع شرع بوده و به همین دلیل از ملامت مردم نمی‌هراسد و می‌گوید:

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم      که در طریقت ما کافر نیست رنجیدن  
بعضی برآند که حافظ شیراز، حافظ قرآن بوده است و از اینرو در بیشتر اشعار خودش، اشاره به آیات قرآن دارد. به طور مثال:

آسمان بار امانت نتوانست کشید      قرعه فال به نام من دیوانه زدند  
که اشاره به آیه معروف «انا عرضنا الامانه...» دارد.

خراب تر ز دل من غم تو جای نیافت      که ساخت در دل تنگم قرارگاه نزول  
که این بیت نیز اشاره به نزول قرآن دارد که در دل تنگ انسان ظلم و جهول قرار یافت. و برخی نیز اعتقاد دارند که حافظ شیراز وحدت الوجودی بوده است و ابیاتی از قبیل این را شاهی می‌آورند:

میان عاشق و معشوق هیچ حایل نیست      تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز



جایی دیگر فرموده:

تو خانقاه و خرابات در میانه مبین خدا گواه که هر جا که هست با اویم

آیا حافظ خراباتی، رند و شاهد باز بوده است، یا صوفی پاکدامن و عارف ربّانی؟ من این را روزی از استاد ثبوت سؤال کردم. تقریباً هفت سال پیش بود. آقای ثبوت، در جامعه ملیّه اسلامیّه برای سخنرانی تشریف آورده بودند. آن وقت استدعا کردم که ایشان نقاب از رُخ حافظ بردارند و چهره اصلی حافظ را به ما بنمایانند. ایشان با شرح و بسط بسیار، نظر خودشان را در این زمینه ارائه کردند و فرمودند که آنچه حافظ از می و معشوق گفته، مقصود او غالباً عرضه مضامین لطیف و نکات ظریف است و نباید حافظ را به میخوارگی و شاهد بازی منتسب ساخت. استاد ثبوت مثال آوردند، از کعب بن زهیر که در نعت پیغمبر (ص) اشعار زیاد دارد. فرمودند که او در حضور حضرت پیغمبر نعت می خواندند و در آغاز نعت، بیشتر اشعار او اختصاص به مضامین عشق و عاشقی داشت. اما همه می دانستند که اینها فقط عرضه مضامین لطیف و ظریف است. از این است که حضرت پیغمبر (ص) از اشعار عاشقانه کعب بن زهیر، نه تنها لذّت می بردند، بلکه ایشان را تحسین و تبریک می گفتند. حق این است که به واسطه آن سخنرانی استاد ثبوت، شرح صدری در حضار ایجاد شد. خوشبختانه در این نشست نیز مقاله اول اختصاص به استاد ثبوت دارد. من با صد ادب و احترام از ایشان تقاضا می کنم برای ارائه مقاله خود تشریف بیاورند و بار دیگر معانی نهفته در شعر حافظ را روشنایی بیشتری بخشند.

\*\*\*